

این انتخاب من بود

www.ketab.ir

نغمه گوگل



زمستان ۱۳۹۹

این انتخاب من بود

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

انتشارات شادان

دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی

شماره ۳۵ تلفن ۴۴۸۰۱۸۸۰-۴۴۸۰۱۸۸۱

۸۸۲۴۱۰۲۰-۸۸۲۴۱۰۲۱

www.shadan.ir

shadan@shadan-pub.com

در اینستاگرام نیز همراهان باشید



نویسنده : نغمه گوگل

توبت چاپ : سوم زمستان ۱۳۹۹

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۷۵-۶

کتابخانه ملی : ۵۷۳۷۴۳۷

تیراژ : ۲۰۰ جلد

قیمت : ۹۲,۰۰۰ تومان

گوگل . نغمه

این انتخاب من بود ۱- نویسنده : نغمه گوگل

تهران: شادان ۱۳۹۸ ۵۷۸ صفحه /
(رمان ۱۲۴۴)

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۷۵-۶
ISBN : 978-600-7368-75-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
داستانهای فارسی - قرن ۱۴

PIR ۸۳۵۹

۱۳۹۷

کتابخانه ملی ایران

۸۳۳/۶۲

۵۷۳۷۴۳۷

یادآوری: کلیه حقوق این اثر متعلق
به انتشارات شادان می باشد و هر گونه
استفاده از آن یا مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار
دادن در سایت های مختلف به هر شکل
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

انتخاب و زندگی...

نگاه به زندگی بستگی به حال و هوا و سن و سال آدمی دارد، یا شاید هم مقطعی که در آن زندگی می‌کند. گاه زندگی را مثل هدیه‌ای آسمانی می‌بینیم که به ما عطا شده و به خیال خود آن هدیه را جاودان می‌پنداریم. آن قدر حال خوشی داریم که از لحظه لحظه‌اش لذت می‌بریم. گاهی نیز مثل افراد دلزده از آن موهبت و هدیه، به دلیل سختی‌ها و ناهمواری‌ها که برای‌مان حادث شده، حاضری (حتی به زبان) از آن دل بکنیم و خلاص شویم! انگار که محکوم شده‌ایم به سبزی کردن روزها با اعمال شاقه!

این هم جبر روزگار است که همیشه یا دیر می‌فهمیم یا دیر می‌رسیم. چون رسیدن به این درک که زندگی فقط یک هدیه نیست بلکه یک گنج بی‌بدیل است، در بیشتر موارد دیرتر از زمان لازم به ذهن ما خطور می‌کند. هر چند رسیدن دیر هنگام به این فهم و درک و این که باید در شأن این گنج زندگی کنیم (و به آن عمل کنیم!) خودش مرحله‌ای ارزشمند است.

سختی‌ها اجتناب‌ناپذیرند، احساس یأس و سرخوردگی برای همه پیش می‌آید فقط برنده در میان ما آن کسی است که بداند و بفهمد شکایت و تأسف سودی ندارد. مثل وقت تلف کردن است. انگار که گاهی به جای عمل و رها کردن خود از مشکلات دوست داریم برای



خودمان دلسوزی کنیم: یک دلسوزی ترحم برانگیز و شاید احمقانه! و پای این دلسوزی برای خودمان اشک بریزیم. هر روز و هر لحظه شرایط خود را مرور می‌کنیم و خود را بدبخت‌ترین آدم روی زمین می‌پنداریم. مثل کسی که نیازمند افسوس است و ترحم، نه کسی که می‌خواهد از سختی‌ها جدا شود و خود را رها کند. نه قدمی برمیداریم و نه کمکی به بهبود حال خود می‌کنیم. این گونه است که هم در جای قبلی، با تمامی مشکلات در جا زده‌ایم و هم حال خود را خراب‌تر کرده‌ایم.

شاید در میان آنان که می‌شناسیم کسی که به جای غصه خوردن تکانی به خود می‌دهد و تصمیم به تغییر می‌گیرد، زیاد نباشند ولی هر که این کار را کرد برنده زندگی است. کسی که انتخاب می‌کند و برای خواسته خود قدم برمی‌دارد.

قصه امروز ما نیز روایت همین انتخاب‌هاست: قصه شرایط زندگی و تبعیض و دوگانگی در آن. داستان تصمیم برای تغییر و ساختن فردایی که به غیر از امروز باشد. در این حال است که می‌توان ایستاد و از آنچه انتخاب کرده‌ایم دفاع کرد. امیدواریم مثل همراهی همیشگی‌تان با شادان، عزیز و نشیب داستان، آن جذابیت لازم را برای شما مخاطب حرفه‌ای فراهم کند.

بهمن رحیمی

آذرماه ۱۳۹۸ - تهران

